

انتخاب مسئولیت‌ساز

مناخاطری

همان‌گونه که در بخش پیش گفته شد، یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های معلم و مسئولان مدرسه، ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان است. افزون بر این، تجربه نشان داده است که متوسل شدن به شیوه‌های گوناگون انگیزش بیرونی، شاید در کوتاه‌مدت کارآمد باشد، اما نمی‌تواند تأثیری پیوسته و همیشگی بر دانش‌آموزان بگذارد.

به همین دلیل، نخستین گام در مدیریت کلاس برقراری ارتباط اثربخش با دانش‌آموزان و مهم‌تر از همه شناخت پنج نیاز اساسی در انسان براساس نظریه انتخاب است. گلاسر بر این باور است که نداشتن ارتباط ریشه همه مشکلات انسانی است. معلمی که نتواند با دانش‌آموزان خود ارتباط مؤثر برقرار کند، هرگز نمی‌تواند تأثیر ژرفی بر آنان داشته باشد و کلاس خود را به شیوه مطلوب مدیریت کند. دلیل اینکه از مدیریت کلاس صحبت به میان می‌آید این است که نخستین نقش معلم در کلاس، مدیر بودن است.

پیش از هر چیز بهتر است نگاهی کوتاه به پنج نیاز اساسی در انسان (براساس نظریه انتخاب) بیندازیم تا بدانیم چرا شناخت این نیازها در دانش‌آموزان ضروری است. براساس نظریه انتخاب، هدف از همه رفتارها، برآوردن یک یا چند نیاز اساسی است. نکته مهم دیگر این است که همه رفتارها در انسان هدفمند هستند. شاید با مشاهده رفتار دانش‌آموزان در کلاس درس، گاهی به خود گفته باشید که رفتار برخی از آنان بی‌معنی است. اما همان رفتار بی‌معنی نیز برای برآوردن نیازی است که آگاهانه یا ناآگاهانه صورت می‌گیرد.

این پنج نیاز عبارت‌اند از: بقا، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و سرگرمی.

معلمی که نتواند با دانش‌آموزان خود ارتباطی مؤثر برقرار کند، هرگز نمی‌تواند تأثیر ژرفی بر آنان داشته باشد و کلاس خود را به شیوه مطلوب مدیریت کند

●●● بقا

نخستین نیاز در انسان همانا نیاز به زنده ماندن است. به این منظور، همه ما نیازمند غذا، سرپناه و داشتن امنیت هستیم. افزون بر این، برای پایدار بودن، به بازآفرینی و تولیدمثل نیازمندیم. نیاز دانش‌آموزان در کلاس درس داشتن امنیت بدنی و عاطفی است. کلاسی می‌تواند این نیاز را برای دانش‌آموز برآورده کند که نظم در آن برقرار باشد و دانش‌آموز بتواند روی داده‌ها را در آن پیش‌بینی کند. رعایت این نکته می‌تواند احساس امنیت را در دانش‌آموزان به وجود آورد.

●●● عشق و تعلق

نیاز دوم عشق و تعلق است. این نیاز و سه نیاز دیگر نیازهای روان‌شناختی به حساب می‌آیند. همه ما نیازمند اهمیت دادن به دیگران و دریافت توجه از سوی آنان هستیم. نیاز به عشق و تعلق شامل نیاز به برقراری و نگهداری ارتباط با دیگران، ارتباط‌های اجتماعی،

ابراز علاقه به دیگران و دریافت آن از اطرافیان و در نهایت احساس عضویت در گروه است. وقتی افرادی که برای ما اهمیت دارند، ما را می‌پذیرند، این تجربه احساس خوبی در ما ایجاد می‌کند. داشتن میل به دوست داشتن و دوست داشته شدن یکی از دلایل موفقیت در انسان است. بنابراین، می‌توان درک کرد که برقراری ارتباط در کلاس درس با دانش‌آموزان می‌تواند تأثیر ژرفی بر شیوه مدیریت مطلوب در کلاس داشته باشد.

●●● قدرت

نیاز سوم، نیاز به قدرت است. قدرت نیازی است که گاهی معنای آن به درستی درک نمی‌شود و برای بسیاری از افراد بار منفی دارد. قدرتمند بودن به

معنای کسب موفقیت، احساس توانمند بودن، داشتن تسلط و مهارت در انجام کارها، و قدردانی و تأیید شدن است. افزون بر این، وقتی به حرف‌های ما گوش داده می‌شود و احساس ارزشمندی داریم نیز احساس قدرت می‌کنیم. زمانی که نتیجه مثبت کوشش‌های خود را می‌بینیم، احساس خوشایندی به ما دست می‌دهد و برعکس، شکست‌های پیوسته احساس ناخوشایندی و نداشتن قدرت را در ما ایجاد می‌کنند.

●●● آزادی

نیاز چهارم داشتن آزادی است که به معنای داشتن استقلال، خودمختاری، داشتن حق انتخاب و توانایی انتخاب شیوه زندگی است. به دو شیوه می‌توان به این نیاز نگریست:



از آنجا که نیازهای هر فرد منحصر به خود اوست، هر کلاسی نیز نیمرخ نیازهای منحصر به خود را دارد. با شناخت این نیازها می‌توان شیوه مدیریت در هر کلاس را تعیین کرد

بهتر رفتار یاری خواهد کرد. معلم در کلاس رفتاری را می‌پذیرد که اثربخش و مسئولانه باشد. رفتاری را می‌توان اثربخش نامید که نیازهای دانش‌آموز را برآورد و به رفتاری مسئولانه یا مسئولیت‌پذیر می‌توان گفت که مانع از برآورده شدن نیازهای دیگران نباشد. اما متأسفانه همیشه رفتارهای دانش‌آموزان اثربخش و مسئولانه نیستند. در این زمان‌هاست که معلم می‌تواند با شناخت نیازهای دانش‌آموزان، آنان را در انتخاب رفتارهای اثربخش و مسئولانه یاری کند. برای مثال، دانش‌آموزی که سر کلاس مشغول انجام کاری غیر تکلیفی است که معلم از او می‌خواهد یا دانش‌آموزی که در کلاس زیاد اظهار فضل می‌کند، گرچه نیاز به آزادی را در خود ارضا می‌کند، اما مانع می‌شود نیاز به قدرت (گوش داده شدن به وسیله دانش‌آموز) در معلم و نیازهای دانش‌آموزان دیگر تأمین شود. اینجاست که معلم می‌تواند با آگاهی از نیازها، شیوه مدیریت بدون زور و تهدید را در کلاس پیش بگیرد.

شناخت نیازهای اساسی در انسان پایه استواری برای ایجاد و مدیریت محیطی آموزشی با کیفیت بسیار بالا خواهد بود. درک نیازهای اساسی انسان‌ها ما را یاری می‌کند تا برای مدیریت کلاس و راهبردهای آموزشی منطقی به وجود آوریم که بر شیوه‌های ایجاد انگیزش بیرونی ناکارآمد و تلف‌کننده زمان تکیه نداشته باشد. معلم می‌تواند با شناخت این ویژگی‌ها و ایجاد فرصت‌هایی برای برآورده شدن نیازهای دانش‌آموزان، آنان را یاری کند تا رفتاری مسئولانه داشته باشند و احتمال رفتار ناکارآمد در کلاس کمتر شود. از آنجا که نیازهای هر فرد منحصر به خود اوست، هر کلاسی نیز نیمرخ نیازهای منحصر به خود را دارد. با شناخت این نیازها می‌توان شیوه مدیریت در هر کلاس را تعیین کرد.

* آزادی از درد، شرم‌منده شدن، زور شنیدن و کنترل شدن؛
* آزادی برای داشتن حق انتخاب در انجام کارها.

سرگرمی

نیاز به سرگرمی به معنای داشتن فرصتی برای شادی، بازی و خنده است. بدون شک این نیاز نیز مانند چهار نیاز دیگر اهمیت دارد. زندگی را بدون داشتن امید و شادی تصور کنید. در این صورت، تا چه حد همه چیز خسته‌کننده و یکنواخت خواهد بود. به باور گلاسر، یادگیری و داشتن سرگرمی رابطه بسیار نزدیکی با هم دارند. یادداشت آموختن تازه‌ها می‌تواند همان شادی و خرسندی باشد. ما انسان‌ها در سرگرمی‌ها و فعالیت‌های شادی‌آفرین خود به دنبال احساس خوشایند هستیم. افزون بر این، نیاز به سرگرمی ما را به سوی لذت بردن از کار نیز هدایت می‌کند. همه حیوانات از جمله دلفین‌ها، میمون‌ها و سگ‌ها، در بازی‌های خود مهارت‌های مهم در زندگی را می‌آموزند. انسان نیز در این زمینه با حیوانات تفاوتی ندارد. این گفته حقیقت دارد که «کار کودکان بازی کردن است».

شدت هر نیاز در انسان‌ها متفاوت است. به عبارتی، گرچه هر پنج نیاز در همه انسان‌ها وجود دارد، اما گاهی یک یا چند نیاز خاص در فردی غالب و در فردی دیگر کم‌رنگ‌تر است. از آنجا که همه رفتارها هدفمندند و هدف از هر رفتاری برآوردن یک یا چند نیاز است، شناخت نیازها در افراد، معلم را در درک

منابع

1. www.wikibooks.org/wiki/Classroom-Management-Theorists-and-Theories/William-Glasser
2. www.brucedevonport.com/quality-world.html